**در آينه آفتاب (در مدح حضرت سجادعلیه السلام)**

**نويسنده: احمد لقمانى**

**حضرت بقيّةالله ارواحنا فداه:**

**«اَلسّلامُ عَلى الْعَبّاسِ بنْ اميرِالمُؤْمِنينْ اَلْمُواسى‌ اَخاهُ بِنَفْسِه اَلْاخِذُ لِغَدِهْ مِنْ اَمْسِهِ، الفادى‌ لَهُ الْواقى‌.»[1]**

**سلام بر عباس فرزند امير مؤمنان، كه جانش را در راه مواسات با برادرش تقديم كرد، دنيايش را براى تحصيل آخرت صرف كرد و جانش را براى حفظ برادرش فدا كرد.**

**آفتاب آمد دليل آفتاب**

**گفتار معصومان(ع) سرآمد سخن انسانهاست. عبارات زرّين شخصيتهاى سترگى كه از تابش دانش الهى بهره برده‌اند، از هر افراط و تفريطى پيراسته است و حقيقت را چنانكه بايد مى‌نماياند.**

**سخنان اين قدسيان معصوم پيرامون شخصيت حضرت ابوالفضل(ع)گستره‌اى وسيع در برابر ديدگان انسان مى‌گشايد و آدمى را به بلنداى عظمت آن سردار دلاور رهنمون مى‌سازد. اين فصل نورانى را با آفتاب سخن زهراى مرضيه(س) آغاز مى‌كنيم تا آفتابى، دليل بر آفتاب شخصيت او باشد:**

**در نگاه حضرت زهرا(س)**

**پيامبر اكرم(ص) روز قيامت على(ع) را طلبيده، مى‌فرمايد: نزد فاطمه برو و به او بگو تا آنچه براى شفاعت - گناهكاران - در اين روز بزرگ فراهم ساخته، حاضر كند.**

**امير مؤمنان نزد حضرت زهرا(س) آمده، مى‌فرمايد: اى فاطمه، براى چنين روزى چه ذخيره‌اى، جهت شفاعت، آماده كرده‌اى؟**

**آن پاك بانوى والا مقام در جواب على(ع) مى‌فرمايد:**

**«يا اميرَالمؤمنين، كَفانا لَاِجْلِ هذا اَلْمَقام اَلْيَدان اَلْمَقَطْوُعَتانِ مِنْ اِبْنى‌ الْعَبّاس»[2]**

**اى امير مؤمنان، دو دست بريده پسرم عباس براى مقام شفاعت من كافى است.**

**برخى از انديشمندان شيفته، درباره مقام ابوالفضل نزد حضرت زهرا(ع)چنين گفته‌اند: يكى از دلباختگان فرزند فاطمه(ع) هر روز، در سه وقت، به زيارت سيدالشهدا(ع) مى‌رفت و در حرم امام حسين(ع) به مرقد مطهر آن حضرت عرض ارادت مى‌كرد، اما كمتر به زيارت حضرت ابوالفضل(ع)موفق مى‌شد و گاهى پس از بيست روز به حرم ملكوتى عباس(ع)مى‌رفت. شبى در عالم رؤيا دخت رسول‌الله(ص) را ديد و به آن بانو سلام كرد، اما بإ؛ه‌ه تعجب بسيار متوجه شد كه بى‌بى روى گردانيد و به او اعتنا نكرد!**

**به آن حضرت گفت:**

**پدرم و مادرم فداى شما باد، آيا خطايى از من سر زده كه بى‌اعتنا هستيد؟!**

**فاطمه زهرا(س) فرمود: به خاطر كوتاهى در زيارت فرزندم!**

**مرد با حيرت فراوان گفت: من هر روز سه بار به حرم فرزند شما مى‌روم و امام حسين(ع) را زيارت مى‌كنم.**

**حضرت فرمود: تو فرزندم حسين را زيارت مى‌كنى، ولى به زيارت پسرم عباس نمى‌روى.[3]**

**صحيفه‌اى از كلام امام سجّاد(ع)**

**روزى نگاه مهر آفرين حضرت سجّاد(ع) به عبيداللّه، فرزند حضرت ابوالفضل(ع)، افتاد. اشك غم از چشمان مبارك امام(ع) جارى شد و فرمود:**

**... خداوند عمويم عباس بن على را رحمت كند؛ به تحقيق كه ايثار و جانبازى كرد، جنگ نمايانى نمود و خود را فداى برادرش ساخت تا اينكه دستانش قطع شد. خداوند در برابر اين فداكارى - به‌سان عمويش جعفر طيّار - دو بال به او عنايت كرد تا به يارى آنها همراه ملايكه در بهشت پرواز كند.**

**همانا عباس نزد خداوند تبارك و تعالى مقامى دارد كه جميع شهدا، در روز قيامت، بر او غبطه[4] مى‌خورند و رسيدن به آن مقام را آرزو مى‌كنند.[5]**

**امام سجّاد(ع)، كه در صحنه‌هاى مختلف، شهامت و جانبازى عمويش را نظاره كرده است، در اين بخش از سخن خويش رحمت خداوند را براى عمويش آرزو مى‌كند و به مقام والاى وى در جهان ديگر اشاره مى‌كند؛ مقامى كه همه شهيدان آن را آرزو مى‌كنند.**

**جايگاه كم نظير عباس(ع) در آخرت، حضرت را بر آن داشت تا پس از حضور در كربلا خود دفن پدر عزيزش امام حسين(ع) و عموى فداكارش عباس(ع) را بر عهده گيرد. آن بزرگوار در پاسخ بنى‌اسد، كه از يارى وى در خاكسپارى اين دو جسد مطهر سخن به ميان آوردند، فرمود:**

**با من هستند كسانى كه يارى‌ام دهند.**

**اين در حالى است كه بدن «امام» را تنها بايد امام غسل دهد و دفن كند.**

**آرى آن سخنان آسمانى امام سجّاد(ع) و اين برخورد ملكوتى حضرت با پيكر عموى خويش مقام والاى ابوالفضل(ع) را نشان مى‌دهد.[6]**

**سپيده سخن امام صادق(ع)**

**امام صادق(ع)، كه عظمت جهان افروز مقامش بسيارى از كور باطنان را وادار به تسليم كرده است، شخصيّت عباس(ع) را از زاويه‌اى دقيق بررسى كرده، صفات برجسته عمويش را به‌طور گسترده بيان مى‌فرمايد. سخنان آن حضرت را مى‌توان به سه بخش تقسيم كرد:**

**الف) صفات بيست گانه ابوالفضل(ع) با عبارات مختلف؛**

**ب) درود و سلام امام به مقام پر ابهّت عباس(ع)؛**

**ج) لعن و نفرين به دشمنان ابوالفضل(ع) و تجاوزگران به حريم شخصيّت او.**

**اينك بخش اول كتاب معرفت امام صادق(ع) را مى‌گشاييم و از زبان خليفه خدا در زمين و امام به‌حق ناطق، صفات ارزشمند عباس(ع) را در مى‌يابيم. آن بزرگوار فرمود:**

**عموى ما عباس‌بن على(ع) چنين صفاتى داشت:**

**1- بصيرت نافذ،**

**2- بينش عظيم،**

**3- ايمان بسيار و شديد،**

**4- جهاد در محضر امام حسين(ع)،**

**5- جانبازى و ايثار،**

**6- شهادت در راه امام خود.[7]**

**امام صادق(ع) در ادامه زيارت ابوالفضل(ع) بخشى ديگر از خصوصيات برجسته علمدار كربلا را، با عبارت «شهادت مى‌دهم»، بر مى‌شمارد و مى‌فرمايد: شهادت مى‌دهم كه تو:**

**7- [در برابر جانشين رسول اكرم(ص)] در مقام تسليم بودى،**

**8- امام حسين(ع) را تصديق كردى،**

**9- به حجت خدا وفادار ماندى،**

**10- خيرخواه امام خود بودى.[8]**

**امام ششم(ع) سپس عباس(ع) را چون جنگاوران و شهداى بدر خوانده، مى‌فرمايد:**

**11- من شهادت مى‌دهم و خدا را نيز گواه مى‌گيرم كه تو راه جنگاوران و شهداى بدر را پيمودى.[9]**

**آنگاه امام(ع) از ميزان تلاش ابوالفضل(ع) در راه خشنودى خداوند پرده برمى‌دارد و مى‌فرمايد:**

**12- شهادت مى‌دهم كه تو در خيرخواهى تا آخرين حد تلاش كردى و آنچه در توان داشتى به انجام رساندى.**

**حضرت صادق(ع) در پايان اين فصل از زيارت، به تبيين جايگاه والاى عباس(ع)مى‌پردازد و مى‌فرمايد كه، در برابر اين فداكاريها، خداوند بزرگ:**

**13- تو را در جمع شهدا قرار داد،**

**14- روانت را با ارواح نيكبختان همنشين ساخت،**

**15- وسيعترين منزل بهشتى و برترين غرفه فردوس را به تو عطا كرد،**

**16- يادت را در ملأ اعلى بلند ساخت.**

**ششمين جانشين رسول خدا(ص) در زيارت نيمه رجب نيز خطاب به شهيدان والا و عموى بزرگوارش مى‌فرمايد:**

**17- اى «هدايت يافتگان»!**

**18- اى «پاكان از هر پليدى»!**

**19- ... شما پاك و طيّب هستيد و زمينى كه در آن دفن گشتيد پاك و طيّب شده است.[10]**

**امام صادق(ع) در فصلى ديگر از سخنانش به عظمت مقام ابوالفضل(ع)درود مى‌فرستد و مى‌فرمايد:**

**سلام خدا و سلام فرشتگان مقرّبش و سلام پيامبران مرسل و بندگان شايسته الهى و سلام همه شهدا و صدّيقان، سلامهاى پاك و طيّب در صبحگاهان و شامگاهان، بر تو باد اى فرزند اميرالمؤمنين.[11]**

**در بخشى ديگر از سخنان حضرت صادق(ع)، شاهد نفرين بر دشمنان بى‌شرم عباس(ع) هستيم كه با عبارات مختلف بيان مى‌شود:**

**خدا لعنت كند آن را كه حق تو را نشناخت و حرمت تو را پاس نداشت.**

**... خدا لعنت كند كسى را كه حق تو را نشناسد و مقام تو را سبك بشمارد.**

**... خداوند لعنت كند مردمى را كه حرامهاى الهى را در شأن تو حلال شمردند و با كشتن تو حرمت اسلام را زير پا نهادند.[12]**

**آفتاب كلام حضرت بقيّةاللّه(ع)**

**سخنان آسمانى معصومان را با دُرّ واژه‌هاى يگانه دُردانه الهى حضرت مهدى(ع)ختم مى‌كنيم. امام عزيزى كه در زيارت ناحيه، خطاب به عموى شهيد خود حضرت ابوالفضل(ع) مى‌فرمايد:[13]**

**سلام بر ابوالفضل عباس، پورِ اميرمؤمنان(ع) كسى كه:**

**جان خود را نثار برادرش كرد،**

**دنيا را وسيله آخرت خود قرار داد،**

**فداى برادرش شد،**

**نگهبان بود و سعى بسيار كرد تا آب را به لب تشنگان برساند،**

**دو دستش در جهاد فى سبيل‌اللّه قطع شد،**

**خداوند قاتلان او يزيد بن رقاد و حكيم بن طفيل طائى را لعنت كند.[14]**

**آرى، ماهتاب وجود ابوالفضل(ع) و آفتاب نگاه امامان معصوم(ع)چنان ثمرآفرينى كرده كه صدها سال است قلوب شيعيان و شيفتگان در سراسر عالم به سوى نام و ياد و صحن و سراى عبّاس پر مى‌كشد. از كودكان خردسال تا انسانهاى كهنسال نام ابوالفضل، عباس و قمربنى‌هاشم را ذخيره صداقت سخنان خود و پشتوانه صحت اعمال خويش مى‌دانند[15] و با قسم به نام فرزند ام‌البنين، خويشتن را از گرداب ابهام و ترديد ديگران خلاصى مى‌بخشند. آنان جانها، اموال، فرزندان و زنان خاندان خود را در پرتو اين اسم مبارك و مقدس ايمن مى‌دانند، بر اين باور الهى روزها و هفته‌هاى خود را مى‌گذرانند و لب به سپاس خداى سبحان مى‌گشايند. از اين‌رو دشمنانِ آگاه جرأت، برابرى و مبارزه با چنين باورهاى پاك و آسمانى را در خود نمى‌يابند و پليد پيكران ناآگاه نيز تن به ذلّت و خوارى داده، شكست حقيرانه را بر مى‌گزينند.**

**پی نوشت‌ :**

**[1]- بحارالانوار، ج 101، ص 270 .**

**[2]- مولد العباس بن على(ع)، ص 88.**

**[3]- مولد العباس بن على(ع)، ص 88 .**

**[4]-غبطه: درخواست نعمت براى خود به همراه بقاى آن براى ديگرى.**

**[5]- بطل العلقمى، ج 2، ص 108 - 109؛ خصال صدوق، ج 1، ص 68؛ بحارالانوار، ج 22، ص 274 .**

**[6]- بطل العلقمى، ج 3، ص 224 - 233؛ سردار كربلا، ص 240 .**

**[7]- العباس بن على، باقر شريف قرشى، ص 36 - 39 .**

**[8]- مولدالعباس‌بن على(ع)، ص 97؛ العباس بن على، ص 36 - 42 .**

**[9]- العباس، ص 213؛ مولد العباس بن على(ع)، ص 98؛ العباس بن على، ص 40 .**

**[10]- العباس بن على، ص 40 - 41؛ مولد العباس بن على(ع)، ص 220 - 285 .**

**[11]- العباس بن على، ص 38.**

**[12]- العباس، ص 213 و 220 و 221.**

**[13]- السلام على ابى‌الفضل العباس بن اميرالمؤمنين، المواسى اخاه بنفسه الآخذ لغده من امسه الفادى له الواقى الساعى اليه بمائه المقطوعة يده، لعن‌اللّه قاتله يزيدبن رقاد الجهنى و حكيم بن الطفيل الطائى.**

**[14]- بطل‌العلقمى، ج 2، ص 311؛ مولد عباس‌بن على(ع)، ص 98؛ العباس‌بن على، ص 41 - 42 .**

**[15]- ر.ك: اسرارالشهاده، ص 341 .**

**منبع:سپهسالار عشق**